



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران خیابان آیت الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰۲۲۲۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

رویایی که دست یافتنی شد

۲۸ سال بعد از پایان جنگ جهانی اول و امضای قرار داد صلح ورسای و در کنار آن کنفرانس پاریس که با تعیین خطوط مرزی جدیدی برای اروپا و کشورهای خاورمیله، نقشه جهان به کلی تغییر کرده و کشورهای جدیدی به وجود آمدند و همچنین همزمان با صد و هشتاد و نهمین زادروز عباس میرزا ملک آرا، شاهزاده قاجار و برادر ناتنی ناصرالدین شاه در ۶ آذر ۱۲۱۸، در شهر عبّادان، از قدیمی ترین شهرهای ایران که از زیبایی های طبیعی، تاریخی، گردشگری، تجاری و معنوی خاصی برخوردار بود و از سال ۱۳۱۴ شمسی، به پیشنهاد فرهنگستان ایران و تصویب دولت، نام آن به آبادان تغییر کرد؛ در هوای معتدل و فرخ بخش آذرماه ۱۳۲۶، این منطقه، در خانواده های متوسط، فرزندی پایه این دنیای می گذارد که نام او ادرابوش، می گذارند. ادرابوش، در ۸ سالگی پدرش را از دست می دهد و از آنجایی که خانواده مادری از طایفه سرشناس میر محمدی جوپاری بودند، به همراه خانواده به شهر جوپار، شهری در بخش ماهان از توابع کرمان و زادگاه مادری، مهاجرت کرد. دوران دبستان و دبیرستان را در کرمان گذراند. او فعالیت در تئاتر را از سال ۱۳۴۵ آغاز کرد و در سال ۱۳۴۷، نیز گروه تئاتر پیاده را بنیان گذاشت، اما تصمیم گرفت رشته مورد علاقه خود را به صورت آکادمیک نیز پیش ببرد. بنابراین در کنکور ورودی دانشگاه شرکت و پس از آن که در دانشگاه پذیرفته شد به تهران رفت. او در سال ۱۳۵۲ در رشته کارگردانی تئاتر از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و در سال ۱۳۵۹، مصادف با سالی که اولین دوره مجلس شورای اسلامی تشکیل و با صدور فرمان امام (ره)، ستاد انقلاب فرهنگی تشکیل شد، با بازی در فیلم کوتاه سلندر، به کارگردانی واروژ کریممسیحی، نخستین فعالیت سینمایی اش را رقم زد و پس از آن با فیلمنامه نویسی و کارگردانی فیلم ۶۵ دقیقه ای رسول پسر لولاقسیم، وارد مسیر زندگی حرفه ای سینما شد و با تلاش و پشتکار رویای دیرینه اش را دست یافتنی کرد.

شاید وقتی دیگر...

به عنوان طرحی از سوسن تسلیمی و فیلمنامه ای نوشته ادرابوش فرهنگ جاوی دوربین رفت. داستان فیلم درباره زندگی اهالی روستایی است که مردم آن بالادهی و پایین دهی هستند، ورود یک اتوبوس مستعمل به روستا کارگاری را کساد می کند و او نیز اتوبوسی می خرد. اما این روستا آن قدر مسافر شهر ندارد که دو اتوبوس بخوهد. این منشا اختلاف دیگری می شود و سرانجام از دواج پسر و از اهالی پایین دستی با دختری از طایفه بالادستی ها اختلاف های پدید می آید. ادرابوش فرهنگ، که بیشتر به عنوان فیلمنامه نویس مطرح شده بود از سال ۱۳۶۵ با نویسندگی و کارگردانی فیلم طلسم وارد مرحله جدیدی از زندگی حرفه ای خود شد و در ادامه با ساخت فیلم های دو فیلم با یک بلیت، بهترین بابای دنیا، راه افتخار، دیپلمات، روانی، تکیه بر باد، زرز، طلسم شادگان، یک گزارش واقعی، باران و... به عنوان فیلمنامه نویس و کارگردان و همچنین بازیگر در سینمای ایران تثبیت شد. شاید وقتی دیگر، فیلمی سینمایی ساخته بهرام بیضایی به سال ۱۳۶۶ با بازی سوسن تسلیمی و ادرابوش فرهنگ است که در نظر سنجی منتقدان و نویسندگان ماهنامه سینمایی فیلم به عنوان یکی از بهترین فیلم های تاریخ سینمای ایران انتخاب شده است. او در این فاصله دوران کاری خود از ساخت کار تلویزیونی و بازیگری نیز غافل نشد. از جمله سریال تلویزیونی تولیدی دیگر، که به تهیه کنندگی مسعود رسام و بیژن بیرنگ، در گونه خوادگی و درام تولید شد و توانست در مرجع ارزشگذاری سینما و تلویزیون یعنی نمره ۷،۶ از ۱۰ را از سوی مردم بدست بیاورد که نشان می دهد عموم مردم آن را اثری با کیفیت و ارزش ارزیابی کرده اند. اساسیال دیگری که ادرابوش فرهنگ نه به عنوان نویسنده و نه به عنوان کارگردان بلکه فقط در آن بازی کرده و مورد توجه مخاطب قرار گرفته است، سریال گاندو است. فرهنگ درباره این سریال گفته است: «گاندو، مسیری جدید در سریال سازی ایجاد کرده است و امتیازات آن بیشتر از نقاط ضعفش است. گاندو، ویژگی های خاصی داشت که آغازگر طرز تفکری جدید برای سریال سازی شد. مردم از هر دو فصل این سریال استقبال کردند. شما چند سریال را در دنیای تولید ببینید که در آن از مسئولان شان انتقاد کنند و درباره وضعیت اجتماعی و اقتصادی کشور خود صحبت کنند. موضوع و ساختار این سریال برای دل مشغولی نیست بلکه برای ذهن مشغولی است. مردم از اینکه حرف دلشان زده شود، خوشحال می شوند.» آخرین فعالیت ادرابوش فرهنگ در عرصه هنر بازی در مجموعه تلویزیونی ایزودای مسافران، به کارگردانی سیروس حسن پور و احمد معظمی و تهیه کنندگی پرویز امیری، است که از ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ به مناسبت ماه رمضان از شبکه پنج پخش شد. باید منتظر باشیم تا او که از ۱۳۸۹ فیلمی ساخته است دوباره به عرصه کارگردانی برگردد و شاید وقتی دیگر شاهد فیلمی از او باشیم.

امیر افشار فتوحی - ادرابوش فرهنگ درخشانی، متولد ۶ آذر ۱۳۲۶، با تلاش و پشتکاری که از خود نشان داد خیلی زود به رویای دیرینه خود جمله عمل پوشید و با نخستین ساخته تلویزیونی خود یعنی مجموعه افسانه سلطان و شبان، توانست مخاطب تلویزیونی را با رویای خود همراه سازد. سریالی که پخش آن در سال های آغازین دهه ۶۰ با استقبال زیادی روبرو شد. ادرابوش فرهنگ، در ادامه مسیر حرفه ای خود به نویسندگی و کارگردانی بسنده نکرد و در دوره ای که بازیگران برای مخاطب تلویزیون و علاقه مندان پرده نقره ای، مورد توجه بودند، در زمینه بازیگری و بخش های دیگر صنعت سینما چون طراحی صحنه و لباس، طراحی تیتراژ و تهیه کنندگی نیز فعالیت کرد و از همان ابتدای کار حرفه اش در تلویزیون و سینما با مهدی هاشمی، که در کانون توجه همگان نیز بود، در چندین کار همکاری مشترک داشتند. فرهنگ از همان ابتدای کار خود ظاهر اقتصاد داشت که با پرداختن به موضوعات اجتماعی در قالب طنز، فضای ملت به ناشی از جنگ تحمیلی را لدکی تاطیف کند و در پی ساخت سریال سلطان و شبان، روی به نگارش فیلمنامه ای در سال ۱۳۶۴ آورد با نام کفش های میرزا نوروز، که محمد متوسلانی کارگردانی آن را بر عهده گرفت. از زمانی که ادرابوش فرهنگ، طرح اولیه فیلم «کفش های میرزا نوروز» را روی کاغذ آورد نزدیک به ۳۷ سال می گذرد. فیلمی در ژانر کمدی که تنها با ۶ میلیون تومان ساخته شد و همچنان فیلمی جذاب برای دیدن است. فیلمی با نقش آفرینی عالی تصویران و محمدعلی کشاورز و به کارگردانی محمد متوسلانی که حالا جزو فیلم های نوستالژی سینمای ایران محسوب می شود. داستان فیلم درباره شخصیتی بنام میرزا نوروز عطار، است که حاضر نیست کفش های کهنه و پرازان وصله خود را دور بیندازد و کفش هایی نو بخرد و همین امر سبب می شود تا مردم شهر او را دست بیندازند و مسخره کنند. همسر و فرزندان میرزا نیز که دیگر طقت این وضع را ندارند، او را ترک می کنند و شرط بازگشتشان را خرید کفش هایی نو از سوی میرزا قرار می دهند. در همان سال که هنوز فرهنگ، گرم نوشتن بود، مسیر خود را با نگارش فیلمنامه اتوبوس، در سینما هموارتر می کند. فیلمی دیگر که با کارگردانی یدالله صمدی و بازی هادی اسلامی و مرتضی احمدی، با تمام حوصله ای که داشت در تاریخ سینمای ایران به ثبت رسیده است. یدالله صمدی، در دومین گام فیلمسازی تر جیح داد اتوبوس، را بیرون از تهران بسازد. البته بحث در سر فیلمنامه این فیلم در زمان اکران آن در سر زبان اهالی رسانه افتاده بود. در آن زمان فیلمنامه های با داستان مشلمه ای از سوی بهرام بیضایی با عنوان پرونده قدیمی پیرآباد، منتشر شده بود. البته گفته ها حکایت از این داشت که داستان فیلم بر اساس یکی از آثار محمود دولت آبادی است که بعدها تشریح «چشمه» کنلیش را منتشر کرد. اما در نهایت اتوبوس،



www.mci.ir

شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول

